

تحلیل رمان خارج‌الجسد از عفاف البطاینه بر اساس مبانی فمینیستی (نگرش آسیب‌شناسانه)

وهاب مرادیان^۱؛ مصطفی یگانی^۲؛ اردشیر صدرالدینی^۳

چکیده

اندیشه‌های فمینیستی که در دوران معاصر و پس از انقلاب صنعتی از اروپا آغاز شد و در سراسر جهان گسترش پیدا کرد، در حوزه ادبیات نیز، راه یافت و نویسندگان بسیاری فارغ از جنسیت، به حقوق تضییع شده زنان در جوامع مردسالار پرداختند و دغدغه‌های زنانه را در سطوح خرد و کلان بازگو کردند. با توجه به ریشه دوانیدن باورهای مردسالارانه در جوامع عربی، پرداختن به مسائل زنانه در ادبیات این کشورها روایی داشته است. از این بین، عفاف البطاینه در رمان خارج‌الجسد تحت تأثیر باورهای فمینیستی و ساختار مردسالار جوامع خود، با رویکردی انتقادی سعی در تشریح وضعیت نابسامان زنان و ارائه راهکارهایی برای برون‌رفت این قشر از شرایط موجود دارد. در این تحقیق، با کاربست مبانی فمینیستی (نگرش آسیب‌شناسانه) و روش توصیفی-تحلیلی، دیدگاه‌های نویسنده در رمان مذکور بازگو و تبیین شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که البطاینه به مسائلی چون: انقیاد کامل جنس زن در برابر مردان؛ ازدواج سنتی در جوامع شرقی؛ احساس سرشکستگی از مؤنث بودن؛ سرکوب عشق و عاطفه در جوامع شرقی از ترس قضاوت‌های نادرست جامعه؛ ارائه چهره‌ای خشن و منفی از مرد؛ مساوات‌طلبی؛ انتقاد به باورهای نادرست جامعه اشاره کرده است. منی به عنوان شخصیت اصلی رمان، با سفر به کشورهای غربی و تغییر نام و چهره خود، به طور کامل دچار استحاله فرهنگی شده و مؤلفه‌های فرهنگ زن‌ستیز و مردسالار جامعه عربی را نفی کرده است.

کلیدواژگان: عفاف البطاینه، خارج‌الجسد، فمینیست، زن، جامعه.

۱ دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات عرب، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.
vahhab.moradian.2020@gmail.com

۲ استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. sobhanyegani@gmail.com

۳ استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران. ardashir.sadraddini@gmail.com

۱. مقدمه

جوامع بشری در سده‌های گذشته رویکردی مردسالار داشته‌اند. این نگرش باعث شده است که زنان در پستوهای تاریخ مردانه پنهان شوند و هیچ نشانه‌ای از تکاپوی آن‌ها برجای نماند. اگرچه زنان در طول تاریخ، نیمی از جوامع مختلف بشری را شکل و سامان داده‌اند؛ اما هرگز آن‌طور که باید در تحولات اساسی جامعه در حوزه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، علمی و ... نقشی بایسته نداشته‌اند. این شرایط نامطلوب برای زنان در دو سده گذشته تاحدودی تغییر پیدا کرده و پیدایی نظریه‌های زن‌محور در این دوره‌ها، فضایی نسبتاً مساعد برای کنشگری زنان در اجتماع ایجاد کرده است. زنان با راه‌اندازی جنبش‌های مدنی متعدد، در اندیشه تحقّق حقوق از دست‌رفته خود بوده‌اند. البته، شماری از این جنبش‌های فمینیستی به افراط کشیده شده و با طرح دیدگاه‌هایی همچون برائت از مردان و برتری جنس مؤنث بر مذکر، مرتکب همان اشتباهاتی شده‌اند که مردان در حق زنان انجام داده‌اند. با وجود این، تلاش مدنی غالب زنان جوامع رشد یافته برای رسیدن به حقوق برابر با مردان و برهم‌زدن سنت‌های کلیشه‌ای مردمحور، رشد قابل تأملی داشته است. یکی از حوزه‌هایی که از این جنبش‌ها تأثیر پذیرفته، ادبیات است. نویسندگان بسیاری فارغ از جنسیت، به مشکلات و دغدغه‌های زنان اشاره کرده‌اند و با خلق شخصیت‌های گوناگون و نیز، طرح موضوعات متنوع، به زنان اجازه داده‌اند تا در دنیای داستان‌ها همراه مردان و حتی فراتر و برتر از آنان، نقش‌آفرینی کنند و حضور خود را در اجتماع به اثبات رسانند. هر اندازه زنان در جوامع انسانی فرصت‌های محدودتری برای شکوفاکردن قابلیت‌های خود داشته باشند، نویسندگان به عنوان وجدان بیدار آن جوامع، آثار فمینیستی بیشتری را خلق کرده و با صراحت و پایداری افزون‌تری بر احقاق حقوق زنان تأکید ورزیده‌اند. برای نمونه، در کشورهای عربی که فرهنگ مردسالار سده‌ها در آن ریشه دوانیده و بر اساس چهارچوب‌های این گفتمان، زن موجودی درجه دوم معرفی شده است، زنان (بیشتر) و مردان (کمتر) داستان‌نویس، رمان‌های متعددی را در اعتراض به وضعیت زنان در جامعه نوشته‌اند. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که از دوره‌های نخست تکوین و تقویت رمان عربی معاصر، مسائل مرتبط با زنان مورد توجه قرار گرفته است و هر کدام از نویسندگان متعلق به

تحلیل رمان خارج الجسد از عفاف البطاینه بر اساس مبانی فمینیستی (نگرش آسیب‌شناسانه)

این فرهنگ‌ها، فراخور بینش و ذوق خویش و یا شرایط کشوری که در آن حضور داشتند، از زاویه‌های گوناگون، حقوق تضییع‌شده زنان را روایت کرده‌اند و خوانشی مبتنی بر واقعیت از این اوضاع ارائه داده‌اند تا مخاطبان خود را به تکاپویی فکری (در سطح نخست) و عملی (در سطح ثانوی) وادار کنند و تحولاتی مطلوب و کاربردی درباره نوع نگرش مردان به زنان و باور توانایی‌های آنان پدید آورند.

۱-۱. بیان مسأله

در گستره ادبیات معاصر عربی، شاهد ظهور انبوهی از زنان داستان‌نویس و پدید آمدن داستان‌هایی با جهت‌گیری‌ها و حساسیت‌های زنانه در برابر جامعه مردسالار و همسو با برخی اندیشه‌های فمینیستی هستیم. عفاف البطاینه چهره شناخته‌شده‌ای است که با خلق آثار گوناگون، در پی هویت‌بخشیدن به زنان بوده است. او در جامعه‌ای پرورش پیدا کرده که همواره نگاهی نامطلوب به جنس زن در آن وجود داشته، از این‌رو، عمیقاً با دغدغه‌ها و خواسته‌های زنان آشنا بوده است. این ویژگی باعث می‌شود که نگاه البطاینه در آثار داستانی با نگاه یک نویسنده مرد که از زنان می‌نویسد، متفاوت باشد و مهم‌تر از آن، مخاطبان او به ویژه زنان، با آثار خلق‌شده ارتباط بهتری برقرار کنند. این نویسنده با آفرینش شخصیت‌های پویا و کنشگر از یک‌سو و افراد ضعیف و منفعل از سوی دیگر، دو وجه روشن و تاریک چهره زنان جوامع عربی را نشان داده و این پیام مهم و کلیدی را تبلیغ کرده که رشد و شکوفایی یک زن در فرهنگ‌های مردسالار هم، امکان‌پذیر است و حق انتخاب با خود زنان است. به این معنا که زنان، هم می‌توانند تسلیم جبر فرهنگی و اجتماعی شوند و تحقیر شدن از سوی برخی مردان را بپذیرند و هم، در این راه مبارزه کنند و به خواسته خود برسند. به هر روی، این نویسنده، مهم‌ترین معضلاتی را که زنان جامعه با آن روبه‌رو بوده‌اند، در قالب رمان بازگو کرده است. بر این پایه، مسأله اصلی پژوهش حاضر، بررسی، واکاوی و تحلیل آراء البطاینه در ارتباط با نقش و جایگاه زنان در جوامع عربی است. بدین منظور، رمان خارج الجسد به عنوان نمونه بررسی در نظر گرفته شده است. نویسنده در این تحقیق در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های ذیل است:

الف) ابعاد آرای فمینیستی البطاینه در رمان مذکور چیست؟؛ ب) شاخصه‌های تعهد و

خویشکاری ادبی در رمان مذکور کدام است؟؛ ج) مهم‌ترین مسائل زنانه مطرح‌شده در این رمان کدام است؟؛ د) جامعه مردسالار توصیف شده در این رمان و گفتمان مرتبط با آن، چه نقشی در انزوا و سرکوب زنان دارد؟.

۲-۱. روش تحقیق

در پژوهش حاضر، از روش توصیفی تحلیلی و شیوه استقرایی (جزء به کل) برای واکاوی رمان خارج‌الجسد استفاده شده است. هدف از این مقاله، بررسی دغدغه‌های اجتماعی نویسنده پیرامون زنان و کشف چرایی آن می‌باشد. برای بازخوانی و کنکاش نظرات البطاینه از مؤلفه‌های مکتب فمینیست، خاصه نگرش آسیب‌شناسانه، استفاده شده است.

۳-۱. پیشینه تحقیق

عفاف البطاینه به دلیل ذکر صریح باورهای خود، از سوی نهادهای قدرت در کشورهای عربی طرد و تبعید شده و تحت فشار قرار گرفته است. افزون بر این، بخشی از نوشته‌های او از جمله رمان خارج‌الجسد در کشورهای عربی اجازه انتشار ندارند و طبیعتاً تحقیق درباره آن‌ها با محدودیت‌های بسیاری همراه است. با این حال، عادل الفریجات (۲۰۱۲) ناقد و پژوهشگر سوری، در مقاله «خارج‌الجسد للّعفاف البطاینه»، این اثر را مصداق بارز رمان فمینیستی دانسته است. همچنین، عامل جمیل الصّرایره (۲۰۱۳) در رساله خود با عنوان «جدلیه العلقه بین الشرق والغرب فی نماذج مختاره من الروایه العربیه المعاصره من عام»، تقابل شرق و غرب را محوری‌ترین موضوع رمان خارج‌الجسد دانسته است. در ایران نیز، پژوهشی که در آن، خارج‌الجسد مورد بررسی قرار گرفته باشد، یافت نشد. از این‌رو، در تحقیق حاضر برای نخستین بار این رمان در سطح فکری و محتوایی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. مفاهیم نظری تحقیق

فمینیست: تفکرات فمینیستی در قرن بیستم و از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد، به طور جدی در نقد ادبی رواج پیدا کرد. منتقدان در نقد فمینیستی به دو جریان باور دارند.

تحلیل رمان خارج الجسد از عفاف البطاینه بر اساس مبانی فمینیستی (نگرش آسیب‌شناسانه)

آنان موج اول را متعلق به سال‌های ۱۸۵۰ تا ۱۹۶۰ میلادی می‌دانند و ویرجینیا ولف و سیمون دوبوار را از چهره‌های برجسته موج اول می‌شمارند. (سلدن و ویدسون، ۱۳۸۴: ۲۵۷) موج دوم نقد فمینیستی از دهه ۱۹۶۰ میلادی و با انتشار کتاب راز زنانگی (۱۹۶۳م) از فریدان بتی، مؤسس سازمان ملی زنان آغاز می‌شود. (همان: ۲۷۲) موضوع مشترک جریان‌های فمینیسم، حقوق زنان و مسائلی همچون: عقیده سرکوب شدن امور مربوط به زنان در ساختار زبان مردانه و به سکوت و خاموشی کشیده شدن زنان در این نظام و تلاش برای دستیابی به زبان سیال و متناسب با تفکرات زنانه و به طور کلی، زنانه‌نویسی است.

آنچه شاخه‌های گوناگون فمینیسم را در یک نقطه مشترک به هم می‌رساند، بحث زنان و مسائل مربوط به آنان است؛ چراکه همه فمینیست‌ها بر این نکته اذعان دارند که زنان به دلیل زن بودن خویش در موقعیت تبعیض و فرودستی نسبت به مردان قرار گرفته‌اند و در همه عرصه‌ها نادیده گرفته شده‌اند. (بی‌نام، ۱۳۸۰: ۵) به بیان دیگر، «فمینیست‌ها در به چالش کشیدن روابط زنان و مردان، عصیان در برابر تمامی ساختارهای قدرت و قوانینی که زنان را سرسپرده، فرودست و درجه دومی نگه می‌دارد و تردید در برابر تقسیم کار زنان، دارای نقاط اشتراک هستند.» (واتکینز و دیگران، ۱۳۸۸: ۵) تمامی نحله‌های فمینیستی در این نقطه اتفاق نظر دارند که مناسبات موجود میان دو جنس در خانواده و اجتماع رضایت‌بخش نبوده و باید به گونه‌ای تغییر یابد که زنان بتوانند به طور دلخواه بر زندگی خود کنترل داشته باشند و در نتیجه، امکان فرصت برابر برای فعالیت بخشیدن به تمامی قابلیت‌های انسانی خود را به دست آورند. (بستان، ۱۳۸۷: ۱۱) نقد فمینیستی در پی پرداختن به سه شاخصه اصلی است: الف) پرداختن به مسائل زنانه در ادبیات. ب) اثبات این مطلب که در تاریخ ادبیات، یک سنت زنانه وجود دارد که به واسطه جامعه کوچکی از زنان نویسنده که با هم در حال رقابت هستند، تقویت می‌شود. ج) اشاره به این موضوع که زنان در ادبیات در پیدایی فردیت‌ها و نمایش درون و نیز، حوزه‌های تفکر، احساس، ارزش‌گذاری‌ها و دریافت از جهان بیرون، از ویژگی‌های خاص خود برخوردار هستند. (آبرامز، ۱۳۸۵: ۷۹۲) در مجموع، فمینیسم، ایدئولوژی زنان است؛ زیرا در همه رویکردهای آن، این اعتقاد مستتر است که زنان به دلایل جنسیتی

اسیر بی‌عدالتی هستند (تانگ، ۱۳۸۸: ۱۶۵) و به واسطهٔ چیرگی این باور بر جامعه، انگیزهٔ زنان برای کنشگری و مؤثر بودن از بین رفته است. فمینیست‌ها در فکر شکستن این کلیشه‌ها و درانداختن طرحی نو با محوریت زنان هستند.

نگرش آسیب‌شناسانه: در جنبش‌های فمینیستی، در مجموع دو نگرش عمده وجود دارد که عبارتند از: نگرش آسیب‌شناسانه و نگرش راه‌حل‌طلبانه. در این تحقیق، نوع اول برگزیده شده است؛ زیرا «در طول تاریخ و در ضمن این آسیب‌شناسی بسیاری از نظریات فمینیستی شکل می‌گیرد که مهم‌ترین آن، نظریات «تفاوت»، «نابرابری» و «ستمگری» است که در آن، فمینیست‌های مارکسیسم و لیبرالیسم نگرش آسیب‌شناسانهٔ خود را از زن بیان می‌کنند. هستهٔ مرکزی این آسیب‌شناسی، نظام پدرشاهی است». (آبرامز، ۱۳۸۵: ۷۹۰) چهارچوب‌های کلی رمان خارج‌الجسد نیز، به آثار نامطلوب نظام مردسالاری بر شخصیت زنان می‌پردازد و کوشش البطاینه در این رمان و هدف اصلی او از خلق شخصیت منی، بررسی دلایل انزوای زنان در جوامع پدرسالار عربی و ترغیب زنان به برهم‌زدن این وضع است.

۵-۱. عفاف البطاینه و خلاصهٔ رمان خارج‌الجسد

دکتر عفاف البطاینه مترجم، پژوهشگر و ناقد ادبی، متولد یکی از روستاهای کوچک در شمال کشور اردن است. او تحصیلات ابتدایی را در شهر گذراند و مدتی بعد، برای ادامهٔ تحصیل به خارج از کشور مهاجرت کرد. پس از اتمام تحصیلات، به عنوان استاد دانشگاه‌های اردن در شهرهای هیروت و انبره مشغول تدریس شد. او حضور در دانشگاه‌های آمریکا و دانشگاه شارقهٔ کویت را هم تجربه کرده است. البطاینه هم‌اکنون به عنوان استاد ادبیات عرب در دانشگاه زاید دبی فعالیت می‌کند. او افزون بر فعالیت‌های پژوهشی، در حوزهٔ داستان‌نویسی هم، آثار درخور توجهی خلق و ترجمه کرده است. البطاینه عضو مؤسس مجمع مترجمان عرب است و تاکنون چندین کتاب و مقاله به زبان‌های عربی و انگلیسی چاپ کرده است. مهم‌ترین رمان‌های او عبارتند از: خارج‌الجسد، الإغواء الأخير و عکراالإمرأه.

تحلیل رمان خارج الجسد از عفاف البطاینه بر اساس مبانی فمینیستی (نگرش آسیب‌شناسانه)

خارج الجسد نمونه بارز رمان‌هایی است که غرب‌زدگی و شیفته فرهنگ غرب بودن را به تصویر می‌کشد و آرمان‌شهری که نویسنده توصیف می‌کند، کاملاً منطبق با شاخصه‌های غربی است. البطاینه، غرب و مظاهر آن را نماد پیشرفت و رسیدن به کمال می‌داند و در برابر، مؤلفه‌های پادآرمان‌شهر شرقی و عربی را در قالب شخصیت یک دختر روستایی ساده به نام "منی" مطرح می‌کند. (الشتوی، ۲۰۱۳م: ۲۹۹) منی در خانواده‌ای فقیر در کشور اردن زندگی می‌کند و به دلیل بافت مردسالار جامعه و مشکلات اجتماعی و اقتصادی، در شرایط مطلوبی رشد و پرورش پیدا نکرده است. پدر منی با اعمال سلطه‌خشن، فضایی دهشت‌انگیز برای این دختر ایجاد کرده و از او شخصیتی منزوی، مطیع و بدون اعتماد به نفس ساخته است. منی پیوسته شاهد کتک خوردن و تحقیر مادرش بوده و نگرشی منفی نسبت به پدر - به عنوان نماینده جنس مذکر - پیدا کرده است. پدر مانع تحصیل منی شده و دخترش را به کارکردن واداشته است. در محیط کوچک روستا، عدم ازدواج بهنگام دخترانی چون منی باعث می‌شود تهمت‌هایی به آن‌ها زده شود و به این بهانه، مورد آزار و اذیت پدر قرار گیرند. پس از آن‌که پدر از رابطه منی با صادق آگاه می‌شود، دختر را مورد ضرب و جرح قرار می‌دهد و در خانه زندانی می‌کند. مدتی بعد، منی متوجه می‌شود که صادق با دخترعموی خود ازدواج کرده است. شنیدن این خبر، ضربه‌ای سخت به دختر وارد می‌آورد و آتش امید را در وجود او خاموش می‌کند. منی از مردان روستا بیزار است و تصویری منفی و نامطلوب از آن‌ها در ذهن دارد. کسانی که همه چیز را برای خود و اقناع شهوتشان می‌خواهند و در مناسبت‌های خانوادگی، به زورگویی و دیکتاتوری متوسل می‌شوند. اندکی بعد، پدر منی تصمیم می‌گیرد او را به عقد محروس در بیاورد که مردی دیرسال و درشت اندام است. او در زندگی جدید خود هم، خوش‌بختی را تجربه نمی‌کند. محروس همچون پدر منی رفتار جزمی و برتری‌جویانه دارد. فرجام این ازدواج به طلاق می‌انجامد. مدتی بعد، عموی منی به او پیشنهاد می‌کند که با فردی به نام سلیمان که اهل اردن و ساکن اسکاتلند است، ازدواج کند. منی برای رها شدن از این محیط تن به این ازدواج می‌دهد و از اردن خارج می‌شود و گام در محیطی جدید با فرهنگی متفاوت می‌گذارد. با وجود شخصیت خشن و سخت‌گیر سلیمان، منی با زنان اسکاتلندی ارتباط برقرار می‌کند و با سبک زندگی و حقوق آن‌ها

آشنا می‌شود. برقراری این مناسبات، سرآغاز تحولات بنیادین فکری و شخصیتی در او و جدایی از سلیمان می‌شود و زندگی مستقلی را آغاز می‌کند و راهی بازار کار و دانشگاه می‌شود. آشنایی و ازدواج منی با فردی به نام "ستیورت مکفیرسون"، او را در مسیر تازه-ای قرار می‌دهد. منی در این تجربه جدید، تضادهای فرهنگی غرب و شرق را واکاوی می‌کند. او از یکسو، محیط بسته و غمناک شرق (پادآرمان‌شهر) را به یاد می‌آورد و از سوی دیگر، فضای همراه با احترام به حقوق زنان را در غرب (آرمان‌شهر) تجربه می‌کند. او برای گریز از گذشته سیاه خود و جذب شدن در فرهنگ جدید، به عمل جراحی زیبایی متوسل می‌شود و با تغییر چهره و نام خود به "سارا الکساندر"، فرهنگ عربی و همه مظاهر آن را نفی می‌کند. او با حضور در همایش‌ها، پیوسته از حقوق تضییع شده زنان عرب سخن می‌گوید و تلاش‌هایی را برای احقاق حقوق آنان انجام می‌دهد.

۲. بحث اصلی

رویکردهای اعتدال‌گرای جنبش‌های فمینیستی در پی شخصیت بخشیدن به زنان ستم‌دیده و مظلوم است. مبانی نظری این جنبش‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها خواهان حقوق برابر با مردان در همه عرصه‌ها هستند. عفاف‌البطاینه که نیم‌نگاهی به این نظریه‌ها دارد، رمانی خلق کرده که بیانگر تلاشی زنانه برای شکستن مرزهای تعریف و تحمیل‌شده از سوی مردان است. در این بخش، مهم‌ترین سویه‌های فمینیستی ذکر شده در این اثر داستانی بررسی می‌شود.

۱-۲. انقیاد کامل جنس زن در برابر مردان

یکی از مسائلی که فمینیست‌ها بر آن تأکید دارند، انفعال زنان در برابر زورگویی‌های جامعه پدرسالار است. سلطه مردان و ریشه دوانیدن نظام پدرسالار، تعیین‌کننده کیفیت رفتار زنانه بوده است. از این‌رو، جامعه ادبی تحت تأثیر فضای فکری غالب، زنانی را به تصویر می‌کشیده که در فضای فکری مردانه قرار می‌گرفتند. در رمان *خارج الجسد*، البطاینه که در چنین فضایی رشد کرده‌است، با نگاهی انتقادی، اوضاع جوامع شرقی (عربی) را برای پرورش زنان مناسب نمی‌داند؛ زیرا زنان در زندان قدرت‌جویی مردانه گرفتار هستند و تعصبات قومی و قبیله‌ای هرگونه ترقی شخصیتی را برای این جنس

تحلیل رمان خارج الجسد از عفاف البطاینه بر اساس مبانی فمینیستی (نگرش آسیب‌شناسانه)

سرکوب و نفی می‌کند. (کاتب، ۲۰۱۶م: ۱۹-۲۰) در چنین جوامعی، زنان عاری از اراده و اختیار هستند و هیچ حقی برای تعیین سرنوشت خود ندارند. تنها راه پیش‌روی آن‌ها، فرمان‌پذیری از خواسته‌های مردانه است. به عبارت دیگر، زنان شرقی به مثابه عروسکی در دست مردان هستند و مناسبات میان این دو جنس، از بالا به پایین و برتری‌جویانه است. به این دلیل که مردان عرب با توجه به مؤلفه‌هایی چون: خواسته‌ها و منافع شخصی، و عرف جامعه برای زنان نقشه راه تعیین می‌کنند، سخن گفتن از مساوات در این روش فکری و رفتاری، امری باطل و مضحک به نظر می‌رسد. نویسنده در رمان، ابتدا فضای حاکم بر جوامع عربی و جایگاه متزلزل منی را به تصویر می‌کشد و سپس، به شرایط زیستی سارا (منی سابق) در اسکاتلند اشاره می‌کند تا از طریق این مقایسه، بر بی‌ارزش بودن زنان در ساختار اجتماعی شرقی تأکید کند. به عبارتی، نویسنده از طریق خلق یک شخصیت که دو هویت دارد، مفهوم ضد فمینیستی انفعال زنانه را در برابر مفهوم فمینیستی آزادی و اختیار زنان مطرح کرده است تا سیمایی از پادآرمان‌شهر عربی و آرمان‌شهر غربی ارائه دهد. در بخش نخست زندگی منی که در اردن می‌گذرد، سیمایی منفی و ناخوشایند از زنان به تصویر کشیده شده است. زنانی که بارها تحقیر می‌شوند و کتک می‌خورند و از زندگی خود رضایت ندارند. جنس زن در هر نقشی قرار داشته باشد، به سرنوشتی شوم و آینده‌ای تباه محکوم است. در رمان خارج الجسد، زنان بردگان جنسی تصور شده‌اند که مهم‌ترین وظیفه آن‌ها فرزندآوری و رفع شهوت مرد است. آنچه در چهارچوب این قاعده فکری اهمیت پیدا می‌کند، اطاعت و فرمانبرداری محض و بی‌چون و چراست. زنانی که در جوامع مردسالار عربی به دنیا می‌آیند و پرورش پیدا می‌کنند، همواره ترس‌هایی درونی را تجربه می‌کنند که از سوی عاملی بیرونی صادر می‌شود. منی دختری ساده و روستایی است که از کودکی مورد آزار و اذیت پدر قرار گرفته است. او برای آن‌که همواره مورد تأیید پدر باشد، مجبور به انجام کارهایی است که علاقه‌ای به آن ندارد. او هرگز اختیار و فرصتی برای تصمیم‌گیری ندارد و مانند انسان‌های ناتوان با وی برخورد می‌شود. در حالی که به سنین نوجوانی رسیده و به صادق دل بسته است، با مخالفت‌های پدر روبه‌رو شده و به اجبار، از معشوق خود جدا می‌شود. دوری از صادق و ازدواج اجباری با محروس، اصلی‌ترین نمود انقیاد و انفعال منی (در

سطح اولیّه) و زنان جامعه عربی (در سطح کلان) است. این میزان از اطاعت‌پذیری، از منی دختری بی‌اراده و سستی‌پذیر ساخته است. او در این باره می‌گوید: «منصور واقف و ید إلى جانبه و أخرى فوق خده، فی عینیه غض و خوف و عجز فی البكاء. تقف منی إلى جانبه تهرب سناء قبل أن یمسک بذراعها و تحتمی وراء منصور. تصل خیزرانتها، الهدیة الخلیجیة الوحیدة.» (البطاینه، ۲۰۰۴م: ۵۴-۵۳) به معنی «من از پدر جز سنگدلی و ظلم چیزی به یاد ندارم. پدر مقابل من می‌ایستاد، ولی من نمی‌توانستم او را ببینم؛ چون می‌ترسیدم مرا تنبیه کند. روح من از این مسائل در عذاب بود و جسم من در برابر این هجمه‌ها بوی تعفن گرفته بود. من توسط پدر در خانه زندانی شده بودم تا بتوانم با صادق ارتباط داشته باشم. تمام ایام تنها بودم».

۲-۲. ازدواج سنتی در جوامع شرقی

یکی از نمودهای زن‌ستیزی در جوامع شرقی، ازدواج سنتی است. به این معنا که پدر بر اساس منافع شخصی یا گروهی و صلاح‌دید خود -فارغ از درست یا نادرست بودن آن- در حساس‌ترین برهه زندگی زن دخالت می‌کند و او را به عقد و نکاح مردی درمی‌آورد که غالباً مورد پسند دختر نیست. این ازدواج‌ها معمولاً با ناکامی، یأس و بروز مفساد همراه است و نتیجه مطلوبی دربر ندارد. در نگاه فمینیست‌ها، ازدواج سنتی جهت عدم استقلال زنان تعریف می‌شود؛ زیرا به واسطه سلطه مردانه به جنس مؤنث تحمیل شده است. منشأ بروز این کیفیت از ازدواج در جوامع شرقی، هویت جنسی و عاطفی زنانه است که از سوی مردان به آن‌ها تحمیل شده است. مردان سلطه‌جو بر این باورند که زن‌ها به دلیل عدم توانایی کافی در تشخیص صحیح مسائل، قادر به برگزیدن همسر ایده‌آل نیستند. از این‌رو، برای خود نقشی پیامبرگونه قائل می‌شوند و با اعمال سلطه نرم یا خشن، زن را وادار به ازدواج با کسی می‌کنند که از دید مردان، شایسته به نظر می‌رسد. فمینیست‌ها عقیده دارند که «این نوع طرز تفکر همگی ساخته تمدن مردسالار است و هیچ کس زن متولد نمی‌شود، بلکه به زن تبدیل می‌شود.» (سلدن و ویدسون، ۱۳۸۴: ۲۶۱-۲۶۰) طبق این نگرش، ماهیت جنس زنانه انکار می‌شود و تصور شخصیت مستقل برای زنان از بین می‌رود.

تحلیل رمان خارج الجسد از عفاف البطاینه بر اساس مبانی فمینیستی (نگرش آسیب‌شناسانه)

در رمان خارج الجسد، نشانه‌ی این رفتار بارها دیده می‌شود. منی به عنوان شخصیت اصلی رمان، به صادق ابراز علاقه می‌کند، ولی فضای تک‌صدا و غیرتکثرگرایی مردانه آن را نمی‌پذیرد و به شدت در برابر این خواسته مشروع می‌ایستد. نگاه جزمی و واکنش متعصبانه‌ی ابا منصور به رفتار استقلال‌طلبانه‌ی دختر، بیانگر عدم آمادگی ساختار فرهنگی جامعه عربی برای تفویض نقش‌های زنانه به خودشان است. از دید مردان عرب، دختر بدیل مادر است و باید همانند او رفتار کنند. یعنی همواره تسلیم و فرمان‌پذیر باشد. (فریجات، ۲۰۱۲م: ۱۴) بر این پایه، منی مدتی زندانی و منکوب می‌شود و سپس، به اجبار با محروس ازدواج می‌کند. او هیچ شناخت و تصویری از این فرد ندارد و برای اولین بار، به واسطه پدر با او آشنا شده و به عقدش درآمده است. اگرچه دختر هیچ علاقه‌ای به محروس ندارد، ولی قادر به اعتراض در سطح عینی و بیرونی نیست و شکوه‌های خود را درونی و در غالب حدیث نفس، همراه با اشک و ناله مطرح می‌کند:

«حین نظرت إلی وجه محروس، کان أكثر غرابه و قبحا مما تخيلت جسده الذی بالكاد یدخل من باب المنزل یجعلنی أشعر أنه فیل أو بقرة لا بشر. دفعت ثمن رفضی أمام عینی محروس. ضربنی والدی. شتمنی و قال إنی لا أستحق حتی محروس.» (البطاینه، ۲۰۰۴م: ۷۷-۷۶) به معنی «برای اولین بار روزی مردی زشت هیکل را دیدم که با پدرم صحبت می‌کرد. از حرف‌های آن‌ها متوجه شدم که پدر قصد دارد مرا به عقد او درآورد. من مجبور شدم با محروس ازدواج کنم و به دلیل این ازدواج، تحقیر می‌شدم؛ زیرا چهره زشت محروس، او را شبیه یک گاو یا یک فیل نشان می‌داد. اعتراض به ازدواج هم، چیزی جز کتک خوردن و قبول دستور پدر، نتیجه‌ای به دنبال نداشت.»

منی در جای دیگری بیان می‌کند که برای رها شدن از زندان پدر به این ازدواج تن می‌دهد؛ اما نه تنها گرهی از مشکلاتش باز نمی‌شود، بلکه در روابط زناشویی با محروس دچار گسست می‌شود و زندگی دوم او نیز، از هم می‌پاشد. البطاینه برای نشان دادن کیفیت ازدواج‌های اجباری، رابطه‌ای نامطلوب و سیاه از محروس و منی ارائه کرده است. او برای تبیین این مفهوم که خسارت‌های ناشی از ازدواج‌های سنتی قابل تأمل است، سختی‌های منی را در این زندگی مشترک با جزئیات به تصویر می‌کشد و برای باورپذیری مخاطب و عینی‌سازی مسائل، مصائب منی را از زبان خودش بازگو می‌کند:

«فی بیت محروس الذى حاول فى البدايه اغتصابها عدّه مرات بحجّه حقه الشرعى ثم لجأ بنصح الاب إلى ضربها والقسوه عليها فتغرق فى وحدتها وصمتها وتحاول اللجوء إلى الجنون لتبدأ الام بنصح ابنها بعرض منى على الشيوخ والمشعوذين ويذهب بها محروس إلى احد الشيوخ الذى سوف يضربها بقسوه فى محاوله إخراج "الجن القرين من جسدها" فتباشر الموت لكن محروس يعيدها الى البيت وتحت حالة العطف عليها يبدأ بمعاملتها معاملته حسنه ويحنو عليها فيرق قلب منى له وتمنحه جسدها إلا ان محروس لن يستطيع مجامعتها وسيصاب بضعف جنسى مؤقت وهو امر سوف يعذبه اشد العذاب وبسبب هذا سيتفق معها على الطلاق.» (همان: ۱۰-۱۹) به معنى «من حلقه نامزدى محروس را در دست خود، يك زندان فرض می‌کردم، اما اين زندان برای فرار از زندان پدری بود. اين ازدواج نه برای من و نه برای پدرم و محروس باعث خوشبختی نشد و هیچ‌کدام به مراد خود نرسیدیم. روح من با این ازدواج از جسم و آرزوهایش خارج شد. محروس برای من در زندگی یک مشکل بزرگ بود؛ زیرا مرتب در تمامی مسائل با من مخالفت می‌کرد و مرا آزار می‌داد تا این‌که بناچار از او طلاق گرفتم.»

۲-۳. احساس سرشکستگی از مؤنث بودن در جوامع شرقی

در رمان خارج الجسد، منى دختری سنتی و گرفتار باورهای کهنه و غلط جامعه است. او از این‌که یک دختر است، خود را مقصر می‌داند و سرزنش می‌کند. این تفکر زاییده رفتار ناروای جامعه مردسالار با جنس مؤنث است. زنان تحت تأثیر این نگاه به قدری دچار سکون و جمود فکری شده‌اند که مشکل را در جنسیت خود می‌بینند. (وادی، ۲۰۰۸م: ۱۶۸) شاید به این دلیل که قادر به تغییر شرایط پیش‌آمده و تحلیل عوامل رقم‌خوردن این بی‌عدالتی‌ها نیستند، مشکل را در زن بودن خلاصه می‌کنند. به عبارت دیگر، عدم بلوغ فکری منى، ریشه مصائب زنانه را نه تنها اجتماعی و فرهنگی نمی‌داند؛ بلکه آن را در سطح جنسیتی تنزل می‌بخشد و به بیراهه می‌رود. او در این باره می‌گوید:

«هددتها أمها: -صوتک ما بدی أسمعہ من الیوم و طالع، فاهمه؟ ظبی لسانک و احترامی حالک أشعر أن نصیب أولادی من تعلیم سیکون مثل نصیبی. لم یسمح لی أخی بالذهاب إلى المدارس بينما أقوم أنا بأعباء الخادمه ... یشور أبو منصور. یضرب و یهین و

تحلیل رمان خارج الجسد از عفاف البطاینه بر اساس مبانی فمینیستی (نگرش آسیب‌شناسانه)

یاسب. عقدت معه صفة: خلیهم یروحو عالمدارس و یلعن عظام جدوده اللی یطلب منک قرش أحمر.» (البطاینه، ۲۰۰۴م: ۶۶) به معنی «نمی‌دانستم چگونه با یک مرد صحبت کنم که متهم نشوم. از پدر جز سنگدلی و ظلم چیزی ندیده بودم. کوچک‌ترین اظهارنظر یا اجازه حق انتخاب با برخورد شدید پدر روبه‌رو می‌شد. خواهران و برادران هم وضع مرا داشتند؛ اما برای دختران شرایط سخت‌تر بود؛ زیرا دختران بدون اجازه پدر حق بیرون رفتن از منزل را هم نداشتند».

این طرز تفکر، به نوع تلقی جامعه پدرسالار از زن برمی‌گردد که زن را جنس دوم می‌داند. فمینیست‌ها به شدت با این نگاه مخالفت کرده‌اند و خواستار ایجاد تحولات مهم در ساختار نظام اندیشگانی جامعه و تمدن پدرسالار شده‌اند. منی در دوران نخست زندگی خود (قبل از سفر به غرب) هر اندازه تحقیر شده و خود را خوار و ضعیف پنداشته است، در دوران دوم زندگی خود (زندگی در غرب)، نه تنها زن بودن را ناروا ندانسته، بلکه بر هویت و جنسیت خود تأکید ورزیده است. بنابراین، البطاینه محیط اجتماعی را در تکامل شخصیت زنانه و استقلال فکری آنان مؤثر می‌داند:

«كان سيتورات زوجی المثالی و حبیبی و صدیقی و رفیقی ... قل لی: انت امرأه قویه و ذکيه ... جذبتي فکرة السفر إلى لندن و حين تهذا نفسی ارفض الفکرة، من خلال هذه السفر الذی ستکمل حیاتی و شخصیتی الجديدة ... تسال منی نفسها بشأن حقوق الحيوان فی الغرب و تقول: عما إذا كان الكلب فی هذه الحضارة قد اخذ من حقوقه ما لم یصل إليه ابناء حضارتی.» (همان: ۴۳۰-۴۲۶) به معنی «سیتورت مرد آرزوهای من است. او مهربان و دوست‌داشتنی است و به من شخصیت داده و تاریکی و غم‌ها را از من زدوده است ... لندن برایم جذابیت دارد، همه‌چیز در آن‌جا عالی است، حتی حیوانات هم از حقوق خاص خود برخوردار هستند. سگ در تمدن غرب از حقوقی برخوردار است که فرزندان تمدن من از آن برخوردار نیستند».

۲-۴. سرکوب عشق و عاطفه در جوامع شرقی از ترس قضاوت‌های نادرست

از دیگر موضوعات مطرح در جامعه سنتی و مردسالار، نوع نگاه اعضای آن به روابط عاشقانه است. این مقوله در ساختار فرهنگی جوامع شرقی بر اساس چهارچوب‌های

دینی و عرفی سامان یافته و علنی شدن پیوندهای عاشقانه جنس مؤنث، امری مطرود و نپذیرفتنی است. به همان اندازه که فمینیست‌ها عشق ورزیدن را یکی از رفتارهای عادی زنانه می‌دانند و از آن دفاع می‌کنند، جوامع پدرسالار، آن را مایه شرمساری می‌پندارند و در برابر آن می‌ایستند. در رمان خارج الجسد، تقابل میان این دو نحله فکری دیده می‌شود. منی هنگامی که در روستا زندگی می‌کند، عاشق پسری به نام صادق می‌شود، ولی با افشای این راز مگو، دختر از سوی پدر زندانی می‌گردد و این پیوند از هم می‌گسلد. پیش از این، منی در خلوت همواره از برملا شدن رابطه‌اش می‌هراسد؛ زیرا جامعه اجازه این کار را از او گرفته و برای ارتکاب به آن، مجازاتی سخت تعیین کرده است. عرف حاکم بر جوامع پدرسالار، روابط عاشقانه دختر را جرم می‌داند و برای آن مجازات شخصی و خانوادگی در نظر می‌گیرد. از این رو، گستره آثار منفی این عمل تنها به جنس مؤنث محدود نمی‌شود. در رمان، هنگامی که دختر به واسطه عشق ورزیدن به صادق، تحقیر می‌شود، کاملاً بی‌پناه است. حتی مادر نیز، در برابر تحکم پدر، قدرتی برای دخالت کردن ندارد و تنها ناظر است. البطاینه (راوی) از زبان منی می‌نویسد:

«منی هو آخر یوم من آیام الثانیة العامه، إرتبطت منی بعلاقة حب طاهر وبرئ مع أحد أبناء القرية (صادق) وجلست معه فی مقهى يتحدثون عن أحلامهم فی الزواج والدراسة، يقوم أحدهم بالوشایة للأب بأنهم رأوا منی فی المقهى، یدخل الأب کالمجنون للبيت ویضرب منی بقسوة ویشدها من شعرها ویتهمها بأنها غیر شریفه.» (البطاینه، ۲۰۰۴م: ۷۷-۷۶) به معنی «من صادق را دوست داشتم، وضع به قدری سخت بود که جرأت آشکار کردن این نوع دوستی را نداشتم. دانستم که هیچ‌کس نمی‌تواند مرا نجات دهد. اهل روستا هم، هر روز یک قصه از عشق و عاشقی من و صادق می‌یافتند و بدترین تهمت‌های ناروا را به من می‌زدند. پدر از ترس این تهمت‌ها مانع ازدواج من با صادق شد؛ زیرا در این صورت، صحت تهمت مردم ثابت می‌گردید. او حتی وساطت بزرگان روستا را هم برای این ازدواج قبول نکرد ... من نمی‌دانستم که چگونه با یک مرد صحبت کنم تا متهم نشوم».

تحلیل رمان خارج الجسد از عفاف البطاینه بر اساس مبانی فمینیستی (نگرش آسیب‌شناسانه)

البطاینه با به تصویر کشیدن نگاه منفی جوامع مردسالار به عشق ورزیدن جنس مؤنث، زن را از هرگونه حقی محروم می‌داند و در برابر، هنگامی که از جوامع غربی سخن به میان می‌آورد، با نگرشی کاملاً متفاوت، آن را به عنوان آرمان‌شهر زنانه معرفی می‌کند. بنابراین، نویسنده فضای حاکم بر شرق را کاملاً زن‌ستیزانه و شرایط زنان در غرب را همسو با ایده‌های ترقی‌جویانه فمینیستی معرفی می‌کند.

۲-۵. ارائه چهره‌ای خشن و منفی از مرد

دغدغه اصلی فمینیسم در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی، تلاش برای احیای حقوق سیاسی و اجتماعی زنان و عادلانه بودن ساختار مناسبات جنسیتی بوده است. (عقدایی، ۱۳۹۶: ۶۵) در این نگرش، آنچه اهمیت پیدا می‌کند، نشان دادن مظلومیت زنان در جامعه است. بدین منظور، فمینیست‌ها سعی می‌کنند با ارائه سیمایی خشن و قهرآمیز از مردان، زنان را کاملاً مبراً و برحق نشان دهند. این رویکرد که در مواردی به افراط می‌انجامد، درصدد است زنان را نسبت به جنس مذکر بدبین نماید و منشأ همه مصائب زنانه را مردان معرفی کند. اگرچه تاحدودی این نگاه درست است، ولی نباید از نقش زنان در پیدایی این وضعیت نامطلوب غافل بود. در رمان خارج الجسد، نویسنده مردانی را توصیف می‌کند که زورگو، خشن و مستبد هستند و هیچ‌تصور مطلوبی از جنس مؤنث ندارند. خشونت مردانه در این رمان به دو صورت اعمال می‌شود: سلطه نرم و هژمونی خشن. هر کدام از انواع هژمونی، از مؤلفه‌های خاص خود برخوردار است. در رمان، به غیر از سالم (عموی منی)، همه مردانی که در جوامع عربی دیده می‌شوند، مستبد هستند و از مبانی هژمونی قهرآمیز برای منکوب کردن زنان بهره می‌گیرند. آن‌ها در تعیین مناسبات اجتماعی خود با زنان، تنها به منافع شخصی و گروهی مردانه توجه دارند و هیچ حقی برای زنان قائل نیستند. أبامنصور (پدر منی) مهم‌ترین فردی است که با رفتاری تند و خشن، مسیر زندگی دخترش را دگرگون کرده و به سوی تباهی سوق داده است. او تنها به عرف و رعایت بی‌چون و چرای مبانی آن می‌اندیشد و توجهی به ماهیت آن ندارد. محروس (همسر اول منی) نیز، بدیل أبامنصور است و منی در زندگی با او هیچ موفقیتی به دست نمی‌آورد. او زمانی که نزد پدر بود و همین‌طور، زمانی که با محروس زندگی می‌کرد، قربانی خشونت مردانه

شده بود و به لحاظ شخصیتی، سرکوب و حقارت را تجربه می‌کرد. منی در توصیف پدرش می‌گوید:

«حيث عمل الأب في أبوظبي مدةً طويلةً إلى أن تم فصله من عمله وبدد أمواله على الزوجة الثانية وأولادها المدللين، الأب قاسى جدا ويضرب أولاده بقسوة شديدة ويضرب أمهم أيضا، ويتمنون جميعا له الموت، الكبرى منال درست التمريض وتحصل على معاش أثناء الدراسة وبعدها تسلمه للأب كل شهر.» (البطائنه، ۲۰۰۴م: ۷۶-۷۵) به معنی «پدر مدت زمان زیادی بود که در ابوظبی کار می‌کرد تا این‌که از کار اخراج شد و تمام اندوخته‌اش را خرج زن دوم و بچه‌های لوس و نازپرورده‌اش کرد. پدر خیلی سنگ‌دل است و بچه‌ها و مادرشان را با بی‌رحمی تمام کتک می‌زند. منال، دختر بزرگ، با استفاده از کمک هزینه تحصیلی، رشته پرستاری خوانده است و بعد از پایان تحصیل، ابتدای هر ماه حقوقش را به پدر می‌دهد».

۲-۶. مساوات طلبی

یکی از سوبه‌های اصلی خواسته‌های فمینیست‌ها، مساوات‌طلبی است. آن‌ها باور دارند که سیاست‌های تبعیض جنسیتی حاکم بر روابط مردان و زنان باید برچیده شود و جای خود را به برابری بدهد. رویکردهای اصلی در این زمینه عبارت است از: اختیارگرا و مساوات‌طلب که اتکای هر دو به شدت بر راه‌حل‌های قانونی است. (تانگ، ۱۳۸۸: ۵۷) از دید فمینیست‌ها، جامعه انسانی زمانی به بلوغ و تعالی دست پیدا می‌کند که زنان از حقوقی برابر با مردان برخوردار باشند. از این‌رو، هر عاملی که مانع مساوات‌طلبی آنان شود، با انتقاد مواجه می‌شود.

البطائنه در رمان خارج الجسد، پیوسته از این حقوق تزییع شده سخن می‌گوید. او زندگی منی را به دو بخش مطلوب و نامطلوب تقسیم کرده است. در نیمه نخست، او با انواع بی‌عدالتی‌های اجتماعی مواجه می‌شود، ولی در نیمه دوم، منی زنی مترقی و روشن فکر می‌شود. نویسنده به صورت غیرمستقیم، بر برتری فرهنگ غربی بر فرهنگ عربی حکم می‌دهد و در پرده بیان می‌دارد که زنان حاضر در جوامع غربی به دلیل رعایت اصل مساوات در مناسبات زنانه و مردانه، در حال رشد و شکوفایی هستند. منی درباره کیفیت

تحلیل رمان خارج الجسد از عفاف البطاینه بر اساس مبانی فمینیستی (نگرش آسیب‌شناسانه)

زندگی عرب‌ها در غرب می‌گوید: «فتحت أمامی البيوت العربیة التي حملت معها كل شیء عربی إلى إسكتلندا. اللغۀ و الطقوس و التقالید الاجتماعیة و الحرام و الحلال.» (البطاینه، ۲۰۰۴م: ۲۴۶-۲۴۵) به معنی «مدیر مدرسه عرب بود و در اسکاتلند بزرگ شده بود و تقریباً خصوصیات سلیمان را داشت. من در آن‌جا دریافتم که جامعه عربی در اروپا فرقی با سایر جاها ندارد. آداب و رسوم و اعتقادات عربی در همه‌جا یکی است ... من دیدم که جامعه عربی آن‌جا هم دور خود یک حصار کشیده است و حاضر نیست با دیگران در تعامل باشد». نویسنده بر اساس اصل مساوات، به شماری از آداب و سنن جامعه شرقی-عربی می‌تازد و مبانی آن را نقد می‌کند. از دید او، قوانین حاکم بر کشورهای عربی با مؤلفه‌هایی که فمینیست‌ها برای رهایی زنان وضع کرده و رواج می‌دهند، هم‌خوانی ندارد و برآمده از اندیشه‌هایی افراطی و جزمی است. نکته‌ای که در این توصیف جلب توجه می‌کند، این است که از دید البطاینه، زنان برای برون‌رفت از این اوضاع نامطلوب باید به مبانی فکری غربی روی آورند و از سبک زندگی آن‌ها تقلید کنند.

۳. نتیجه‌گیری

از خوانش رمان خارج الجسد نوشته عفاف البطاینه با رویکرد به مؤلفه‌های فمینیستی و نگرش آسیب‌شناسانه، نتایج ذیل به دست آمده است:

۱. شخصیت اصلی رمان خارج الجسد، زن است. منی به عنوان شخصیت مورد نظر عفاف البطاینه، دو برهه کاملاً متفاوت را در زندگی خود تجربه کرده است. در نیمه نخست زندگی، او زنی منفعل، تسلیم و پایبند به سنت‌های ناروا است. حتی برای انتخاب ندارد و باید تحت تأثیر خواسته‌های پدر و اعضای گروه فرهنگی‌اش رفتار کند. او پس از ازدواج با محروس، استبدادی دیگر را تجربه می‌کند و در زندگی زناشویی، موفقیتی به دست نمی‌آورد. ازدواج‌های ناموفق پیاپی منی و چیرگی خشونت مردانه، مهم‌ترین مؤلفه‌های جامعه مردسالار اردن هستند که در تضاد و تناقض با آرای فمینیستی و زن‌محور قرار دارند. در نیمه دوم زندگی منی، او به لندن می‌رود و با مظاهر غرب آشنا می‌شود. او می‌بیند که در محیط جدید، حقوق زنان بسیار محترم شمرده می‌شود و زنان همچون مردان از حقوق انسانی برخوردار هستند. منی به قدری تحت تأثیر فرهنگ غربی

قرار می‌گیرد که به طور کامل پیشینه خود را نفی می‌کند و بارها از پادآرمان‌شهر عربی اعلام برائت می‌نماید. منی چهره و نام خود را تغییر می‌دهد تا ارتباط‌های خود را با عقبه‌اش نابود کند و به شخصیتی دیگر با ظاهر و باطنی جدید بدل شود. این رفتار منی یا سارا به منزله کتمان هویت سابق و بازتولید هویتی جدید است. او با انکار و نفی گفتمان‌های مردسالار حاکم بر جوامع عربی، گفتمان‌های احترام به حقوق زنان در غرب را به صورت مبالغه‌آمیز ستوده است.

۲. موضوع دیگر، دلبستگی و شیفتگی افراطی منی به فرهنگ غرب است. او با توجه به دور شدن از فضای مردسالار و تک‌صدا در کشور اردن و تجربه محیطی که در آن، زنان محترم و صاحب حقوق انسانی هستند، به طور کلی دچار استحاله فرهنگی می‌شود و با طرد و نفی گذشته خود، کاملاً وقف فرهنگ نوپای مبتنی بر فمینیست می‌گردد. تغییر چهره و نام منی، نمودی از این دگرذیسی است.

۳. افزون بر شخصیت‌های اصلی و فرعی زن در این رمان، مردان نیز، حضور داشته‌اند. وجه مشترک همه شخصیت‌های مذکر در رمان، استبداد رفتاری و فکری آن‌ها و نگاه تبعیض‌آمیزشان به زنان است. در رمان خارج الجسد، پدر، عمو و همسران منی، وظایف زنانه را در انجام کارهای خانه و رفع شهوت مرد خلاصه می‌کنند و حضور در اجتماع و بهره‌مندی از حقوق انسانی را امری مضحک می‌شمارند.

۴. در این رمان، به صورت مستقیم راهکاری برای برون‌رفت از بحران تضييع حقوق زنان در جوامع عربی ارائه نشده است؛ بلکه البطاینه با نگاهی غیرمستقیم و با خلق شخصیت‌های اثرگذار، دو پیام مهم و بنیادی را با مخاطبان خود به اشتراک گذاشته است: الف) او از سویی بیان می‌دارد که صرفاً غرب، آرمان‌شهر زنان است و در این کشورها حقوق جنس مؤنث رعایت می‌شود و بافت فرهنگی و قوانین، حالت مساوات میان زن و مرد را پدید آورده است. البته، نویسنده در این زمینه دچار نوعی افراط شده و همه چیز را در چهارچوب فرهنگ غربی تعریف و تبیین می‌کند. بنابراین، واکنش منفی منی نسبت به فرهنگ عربی و گرایش افراطی او به فرهنگ غربی قابل نقد است و جای تأمل دارد. ب) البطاینه بیان می‌دارد که برای ارتقای جایگاه زنان در جوامع عربی، نیاز به انقلابی فکری و رفتاری در آن‌ها احساس می‌شود. به این معنا که باید برای احقاق حقوق خود،

تحلیل رمان خارج الجسد از عفاف البطاینه بر اساس مبانی فمینیستی (نگرش آسیب‌شناسانه)
نظام مردسالارانه را برهم بزنند و به‌جای انفعال و استیصال و تقدیرگرایی، در سایه
کنشگری‌های اجتماعی و فرهنگی، موجبات آگاهی خود را فراهم آورند. فعالیت‌های منی
و حضور در اجتماعات فمینیستی از آن جمله است. در مجموع، البطاینه آسیب‌های وارد
آمده به زنان را منحصر به مردان نکرده و زنان را هم، در وقوع چنین وضعی اثرگذار
دانسته است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- ۱- بستان، حسین، (۱۳۸۷)، نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲- البطاینه، عفاف، (۲۰۰۴م)، خارج الجسد، لبنان: دارالساقی.
- ۳- تانگ، زُمری، (۱۳۸۷)، درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، ترجمه منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
- ۴- دائرةالمعارف فلسفی روتلیج؛ فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، (۱۳۸۰)، با مقدمه محمدرضا زیبایی‌نژاد، ترجمه عباس یزدانی و بهروز جندقی، چاپ دوم، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیّه خواهران.
- ۵- سلدن، رامن و ویدوسون، پیتر، (۱۳۸۴)، راهنمای نظریه ادبی معاصر، چاپ سوم، تهران: طرح نو.
- ۶- الشّوی، ابراهیم بن محمّد، (۲۰۱۳م)، استبدال الهویه دراسه تحلیله لروایه خارج- الجسد، العربیّه السّعودیّه: جامعه الإمام السّعودی.
- ۷- عقدایی، نفیسه، (۱۳۹۶)، جریان‌شناسی فمینیسم اسلامی، تهران: نظری.
- ۸- کاتب، خدیجه، (۲۰۱۶م)، موضوعات الکتابه النّسویّه فی روایه خارج الجسد لعفاف البطاینه، الجزایر: جامعه العربیین المهدی.
- ۹- واتکنیز، سوزان آلیس، (۱۳۸۸)، فمینیسم؛ قدم اوّل، ترجمه زیبا جلالی‌نیا، تهران: شیرازه.
- ۱۰- وادی، طه، (۲۰۰۸م)، صوره المرأه فی الروایه المعاصر، القايره: دارالمعارف.

ب) مقالات

- ۱۱- آبرامز، ام، اچ، (۱۳۸۵)، «نقد ادبی فمینیستی»، ترجمه سمانه واصفی، نشریه چیستا، شماره ۲۳۰، صص ۷۸۸-۷۹۵.
- ۱۲- فریجات، عادل، (۲۰۱۲م)، «خارج الجسد، لعاف البطاینه»، الموقف الأدبی، العدد ۴۹۳، صص ۱۶۹-۱۹۰.